پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۳۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲
صص ۱۴۹-۱۷۴ (مقاله پژوهشی)

No. 32, Spring & Summer 2023

حفظ تمامیت سرزمینی کشور با اتکا به آیات قرآن‌کریم

سیدحسن موسوی[۱]، ابراهیم یاقوتی[۲]، سیدعلی پورمنوچهری[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۳/۲۴ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۴/۲۸)

چکیده

نقض مکرر تمامیت سرزمینی کشورها طی یکصد سال گذشته و همچنین سربرآوردن گروه‌های تجزیه‌طلب متعدد در دارای قومیت‌ها و مذاهب، موجب گردیده بررسی مبانی و منابع شریعت اسلامی در حفاظت از تمامیت سرزمینی، بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد. در این رابطه، اولین مرجع استنباط احکام، کتاب خداست. گرچه قرآن کریم در مورد مقابله با جدایی‌طلبان به طور مستقیم حکمی بیان نفرموده است؛ اما با ذکر آیاتی از جمله آیه ۱۰۳ از سوره آل‌عمران و بسیاری دیگر از آیات قرآن همچون آیه ۱۰۳ از سوره النساء، آیه ۴۳ سوره الانفال و بیشتر آیات سوره الحجرات، انسان‌ها و جوامع انسانی را به همگرایی، وحدت و اخوات و دوری از تفرقه فراخوانده است. این دلالت غیرمستقیم آیات قرآن کریم که ضمن محترم شمردن آزادی و برابری انسان‌ها ایشان را مکلف به حفظ اتحاد و وحدت در سایه تعالیم الهی می‌نماید، با روایات و سنن متعددی از معصومان علیهم‌السلام قرین گردیده است. این تحقیق می‌کوشد با استفاده از روش توصیفی – تحلیلی نگاه آیات الهی قرآن کریم به موضوع حفاظت و حراست از تمامیت سرزمینی کشور را ارزیابی نماید.

کلید واژه‌ها: فقه حاکمیت، تمامیت سرزمینی، تجزیه‌طلبی، مرزبانی، جهاد.

---

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ s.musavi@hotmail.com

۲. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسؤول)؛ yaghouti2010@yahoo.com

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ ali.poormanuchehri@yahoo.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

مقدمه

«سرزمین» از دیرباز تاکنون بـه عنـوان مهمتـرین رکـن قـدرت سیاسـی مـورد توجـه حکومت‌ها و عموم تجمعات انسانی بوده است؛ این مهم خصوصاً پس از دو جنگ جهـانی در حدود یک قرن پیش از این و ظهور دولت – ملت‌ها برجسـتگی بیشـتری در مناسـبات بین‌المللی پیدا کرده و یکی از مهمترین ارکان تمـایز تجمعـات انسـانی شـده اسـت. همـین موضوع موجب شده قدرت‌ها همواره از «سرزمین» به عنوان یـک اهـرم قـدرت اسـتفاده نموده و برای تضعیف حاکمیت‌ها سرزمین و قلمرو ایشان را آماج اهداف خود قرار دهند.

کشور ایران با توجه به وجـود چـالش‌هـای متعـدد نظیـر رقبـاء منطقـه‌ای و دشـمنان بین‌المللی و همچنین اقوام و مذاهب گوناگون در کشور همواره با خطر هجوم بیگانگـان از خارج و سربرآوردن گروه‌های تجزیـه طلـب از داخـل کشـور مواجـه بـوده و در تـاریخ سیصدساله گذشته در موارد متعدد سرزمین‌های خود را به واسطه اقدامات موارد مـذکور از دست داده است. علی‌ایحال فعالیت‌ها و اقدامات گروه‌هـای فـوق‌الاشـاره پـس از انقـلاب اسلامی افزایش چشمگیری داشته است.

این همه در حالی است که علیرغم تاکیدات مکرر مبانی فقهی و قانون اساسی مبنی بـر حفاظت و حراست از تمامیت سرزمینی کشـور، متاسـفانه خلاءهـای متعـددی در قـوانین موضوعه جزایی خصوصاً در رابطه با گـروه‌هـای تجزیـه طلـب و فعـالین علیـه تمامیـت سرزمینی کشور وجود دارد و مع‌الاسف در طی چهار دهه گذشته پژوهش جـامعی نیـز در این زمینه صورت نگرفته است.

با التفات به اینکه اصل چهارم قانون اساسی کشور لازم دانسته که کلیه قوانین براسـاس موازین اسلامی باشد، در این زمینه نیز لازم است مبانی و ادله فقهی شریعت اسلام بررسـی و مورد مداقه قرار گیرد. در این میان قرآن کریم به عنوان پایه و مبنای علم فقه مطرح است و مخاطبان و مکلفان را متوجه تکالیف و وظایف خـود مـی‌نمایـد. حضـرت امیرالمـومنین

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

علی﵇ می‌فرماید: «قرآن شامل امر و نهی است و احکام و سنت‌ها در آن مشخص شده و مثل‌ها در آن آمده است و احکام در آن تشریع شده تا مردم نسبت به حدود الهی عذری نداشته باشند و حجت بر آنها تمام باشد». (مجلسی، ۹۲/۲۶) و یا فرموده است: «کتاب خداوند در دسترس شماست، حلال و حرام آن پیداست و واجب و مستحب آن هویداست». (سیدرضی، ۲۰۳)

پژوهش پیش رو تلاش دارد ضمن واژگان‌شناسی و مفهوم‌شناسی قلمرو از منظر فقه و حقوق بین‌الملل، با التفات به جایگاه قرآن‌کریم به عنوان مهمترین ادله فقهی در میان تمام فرق اسلامی، اهمیت حفظ و حراست از سرزمین اسلامی را از طریق بررسی آیات شریفه قرآن مورد بررسی و کنکاش قرار دهد.

۱. مفهوم‌شناسی قلمرو و سرزمین

یکی از واژگان اصلی تحقیق پیش‌رو «تمامیت سرزمینی» است، تا آنجا که این عبارت در عنوان تحقیق ذکر شده و حفاظت و حراست از آن به عنوان موضوع اصلی تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته است. تمامیت سرزمینی اصطلاحی مرکب از دو واژه است. «تمامیت» و «سرزمین». «تمامیت» را کل و تمام یک چیز معنا کرده‌اند. و «سرزمین» (معادل واژه انگلیسی Territory) در ادبیات فارسی به معنای ملک، مملکت، ناحیت، کشور، اقلیم، مرز و بوم را مرادف «قلمرو» گرفته‌اند. اصطلاح «تمامیت ارضی» یا «یکپارچگی سرزمینی» اصطلاحی متداول در حقوق بین‌الملل است که مبتنی بر اعمال حاکمیت یک دولت ملی در تمامی وسعت جغرافیی خود و جلوگیری از فعالیت‌های جدایی‌خواهانه در وسعت حاکمیت خود است.

واژه «قلمرو» معادل فارسی extent، واژه‌ای فارسی است. این واژه، مرکب از دو بخش قلم و رو به عنوان ظرف مکان مورد استفاده قرار می‌گیرد. قلمرو یعنی «محل روان بودن قلم کسی». ناظم الاطباء قلمرو را این‌طور معنی کرده است: «ملکی و ولایتی که در آن نوشته قلم پادشاهی یا امیری رود و مردم آنجا نوشته او را قبول نمایند» (نفیسی، ذیل واژه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

قلمرو). علی‌اکبر دهخـدا (۱۲۵۷-۱۳۳۴) قلمـرو را معـادل «ملـک و مملکـت و ولایـت متصرف» دانسته و برای سخن خود این بیت از «محسن تاثیر» را شاهد آورده است:

«مجنون حریف شوق رسایم نمی‌شود دشت جنون قلمرو پایم نمی‌شود»

(دهخدا، زیرواژه قلمرو)

محمد معین (۱۲۹۷-۱۳۵۰) در فرهنگنامه مشـهور خـود قلمـرو را «مملکـت، حـوزهٔ فرمانروایی، حوزه عمل» معنی کرده است.(معین، زیرواژه قلمرو) در واقع مفهـوم «قلمـرو» در میان متخصصان زبان و ادبیات فارسی اِجماعی است و احدی از ایشان معنای غیـری را بر این واژه بار ندانسته است.

۱-۲. مفهوم شناسی قلمرو در علم حقوق و جغرافیای سیاسی

همچنین در عرف عقلاء، قلمرو نشان دهنده محدوده مالکیـت و حاکمیـت یـک واحـد اجتماعی بر یک محدوده جغرافیایی در شکل زمین و منابع مادی آن است. از ایـن رو واژه قلمرو ناظر به فضای محدود شده‌ای است که افـراد و گـروه‌هـا از آن بـه عنـوان محـدوده اختصاصی استفاده و دفاع می‌کنند. (گروتر، ۴۷)

همچنین مفهوم قلمرو در حوزه رفتار انسان‌ها به سطحی از زمین اطـلاق مـی‌شـود کـه گروهی خاص یا موجودیتی سیاسی، مـدعی مالکیـت و حاکمیـت بـر آن اسـت. بنـابراین قلمروها نشان دهنده اعمال قدرت بر فضا هستند که در عالی‌ترین سطح در قالب کشـورها سربرآورده‌اند. (کاویانی‌راد، ۴۵/۴)

امروزه سرزمین یا قلمرو بخش جدایی ناپذیر در ساختار کشورها در قـوانین بـین‌المللـی است. از این رو قلمرو کشور عبارت است از سرزمینی (اعم از زیرزمین، آب‌هـای داخلـی و هم‌مرز، فضای هوایی و برخی منابع دریایی نزدیک سواحل این سرزمین) که حکومت مـدعی مالکیت آن است و کشورهای دیگر نیز این ادعا را به رسمیت می‌شناسند. (بیگدلی، ۶۷-۶۸)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۱-۳. مفهوم شناسی «سرزمین» و «قلمرو» در فقه اسلامی

از آنجا که مفهوم قلمرو حکومت از عناوین مهم فقه سیاسی است، فقها و حقوقدانان اسلامی در طول قرون گذشته تا به امروز به بررسی پیرامون آن پرداخته‌اند. در این رابطه به‌نظر می‌رسد، قدیمی‌ترین متن فقهی مذهب تشیع در باب مفهوم قلمرو و انواع دسته‌بندی آن‌که تا کنون نیز از سوی فقهای معاصر معتبر شناخته می‌شود- مربوط به شیخ طوسی بوده و در کتاب «المبسوط» گرد آمده است. پس از ایشان نیز در کتب فقهی شیعی این مفهوم بارها مورد توجه واقع شده است. علامه حلی در تذکره الفقها و محمدحسن نجفی در جواهرالکلام از مفهوم قلمرو استفاده نموده و حدود شرعی آن را بیان کرده‌اند. در دوره معاصر نیز فقهای بزرگی چون علامه سیدمحمدحسین طباطبایی در تفسیر المیزان و آیه الله سیدمحمدباقر صدر در کتاب اقتصاد ما در تعریف «قلمرو» از شیخ طوسی پیروی نموده‌اند. شیخ طوسی و بیشتر فقهاء متقدم و متاخر، جهان را به دو سرزمین کلی «دارالاسلام» و «دارالکفر» تقسیم می‌کنند؛ و تعداد کمی از فقها در کنار این دو تقسیم بندی، دارالعهد[۱] یا دارالصلح، دارالهدنه[۲] و دارالحیاد[۳] را نیز اضافه کرده‌اند.

در این میان اولین فقیه شیعی که صراحتاً اقدام به طرح بحث سرزمین و قلمرو اسلامی نموده، شیخ طوسی است. ایشان در تعریف «دار» می‌نویسد: «اما دار بر دو نوع است: دارالاسلام و دارالحرب. دارالاسلام بر سه قسم است: ۱- سرزمینی که توسط مسلمانان و در زمان اسلام ساخته شده و مشرکان به آن راه نیافته‌اند، مانند بغداد و بصره. ۲- دارالکفری که مسلمانان بر آن غلبه یابند و آن را از طریق صلح به دست آورند و بر ساکانان آن جزیه تعیین نمایند. ۳- داری که متعلق به مسلمانان بوده باشد و مشرکان آن را تصرف کنند، مانند طرسوس. اما قسم دوم

---

۱. مفهومی عام است که شامل سرزمین‌هایی می‌شود که با دارالاسلام دارای معاهده می‌باشند. براین‌اساس، برخی دار الذمه، دار الأمان، دار الهدنه و دار الحیاد را از انواع آن می‌دانند.

۲. سرزمینی است که بین آن و دولت اسلامی متارکه جنگ برقرار بوده و طرفین به آتش‌بس متعهدند. ناگفته پیداست دار الهدنه، بخش یا تمام دار الکفر(یا دار الحرب) است که با دارالاسلام عقد هدنه را منعقد نموده است.

۳. دار الحیاد (دار الاعتزال) سرزمینی است که در روابط سیاسی و مناقشات بین دارالاسلام و دارالکفر کناره‌گیری نموده و سیاست عدم مداخله را درپیش گرفته است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

از انواع دار، دارالحرب است مانند روم». (طوسی، ۳۴۳)

علامه حلی نیز در این باره می‌فرماید: «دارالاسلام و دارالکفر. دارالاسلام را شافعیه به سه دسته تقسیم نموده‌اند: داری که مسلمانان آن را ایجاد کرده باشند، مانند بصره، کوفه و بغداد. داری که مسلمانان آن را فتح و تملک کرده باشند و برای اهل آن جزیه تعیین نموده باشند و یا آن را تملک نکرده باشند و براساس پیمان صلح برای اهل آن جزیه تعیین کنند که این قسم هم دار الاسلام است؛ چراکه حکم اسلام درآن جاری است و داری که مشرکان بر آن تسلط یابند مانند: طرسوس که متعلق به اسلام بوده است و مشرکان بر آن غلبه یافتند. اما نظر قوی‌تر این است که دار الاسلام دو نوع است: داری که مسلمانان ایجاد کرده‌اند، مانند: بغداد و داری که مسلمانان آن را فتح نموده باشند، مثل مداین و شام (اسدی‌حلی، [بی‌تا]، ۲۷۵)

به نظر می‌رسد مرحوم شهید اول برای نخستین بار تفکیک «دارالاسلام» از «دارالکفر» را مستلزم وجود معیارهای عملی و حاکمیتی دانسته است. ایشان می‌فرماید: «منظور از دار الاسلام؛ ۱- سرزمینی است که احکام اسلام در آن اجرا می‌شود و کفار در آن به صورت معاهد زندگی می‌کنند و ۲- دار الکفری که در آن احکام اسلام جاریست. اما دارالکفر سرزمینی است که احکام کفار در آن اجرا می‌شود. مرحوم شهید، ملاک امکان «اجرای احکام اسلامی توسط مسلمانان» را انتخاب نموده است و حتی دار الکفری که در آن مسلمانان در اجرای احکام اسلام آزادند را دار الاسلام نامیده است (عاملی، ۷۸). البته شاید بتوان گفت ایشان علاوه‌براین معیار، ملاک برپایی حکومت را پذیرفته‌اند؛ چرا که در مورد همه موارد ابتدا براساس نوع حکومت بدان سرزمین اطلاق دار الاسلام یا دار الکفر نموده‌اند و سپس امکان اجرای احکام را درنظر گرفته‌اند؛ و یا امکان اجرای احکام اسلامی را در معنای اعم آن یعنی حاکمیت مسلمانان به‌کار گرفته‌اند. (عمید زنجانی و کرمی، ۲۷)

ملامحسن فیض کاشانی نیز همان تعابیر شهید اول را در تعریف دارالاسلام به کار برده است: «دارالاسلام ای التی ینفذ فیها احکامه». (فیض‌کاشانی، ۲۳۳) فقهای معاصر نیز فارغ

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

از تعریف ایشان از «دارالاسلام» و معیارهایی که برای احراز آن در نظر مـی‌گیرنـد عمومـاً سرزمین و قلمرو اسلامی را بر اساس عقیده اسلامی در نظر گرفته و مرزبندی‌های معاصـر براساس دولت – ملت‌های نوین را نادیده انگاشته‌اند.

آیـه اللّه بروجردی در بحث لقطه و در تفسیر این قسمت از حدیث امـام﵇ مبنـی بـر «اذا کان الغالب علیها المـسلمین» (طـوسی، ۳۶۸)، غلبه مسلمین را در برقراری حکومـت و ریاست مسلمین بر آن سرزمین دانسته‌اند و دار الاسلام را ایـن‌گونـه تعریـف نمـوده‌انـد: «أرض الاسلام ای الارض التی تکون تحت رئاسه الاسلام و حکومـة المسلمین فـی مقابـل ارض الکفر و دار الحرب» (طباطبائی‌بروجردی، ۳۰۱).

ظاهر روایات مطرح‌شده و نظرات فقهای شیعه این است که مفهـوم دارالاسـلام مـبتنی بـر تعداد جمعیت نیست؛ بلکه وابسته به برپایی حکومت و اقتدار مسلمین است، حتی اگـر حـکومت مـسلمانان حـکومت امام معصوم و یا امام عادل نباشد.

۲- بررسی آیات قرآن کریم با محوریت حفاظت از تمامیت سرزمینی دارالاسلام

گرچه قرآن کریم درمورد حفاظت از تمامیت سرزمینی بـه‌طـور مسـتقیم حکمـی بیـان نفرموده است؛ اما با ذکر آیاتی از جمله آیه ۱۰۳ از سـوره آل‌عمـران و بسـیاری دیگـر از آیات قرآن همچون آیه ۱۰۳ از سوره النساء، آیه ۴۳ سوره الانفال و بیشـتر آیـات سـوره الحجرات، انسان‌ها و جوامع انسانی را بـه همگرایـی، وحـدت، اخـوت و دوری از تفرقـه فراخوانده است. به حکم قرآن کریم گروه های انسانی هرچند با تنوع زبانی و نژادی،

وظیفه دارند با همبستگی با یکدیگر از احکام الهی تبعیت کنند. این دلالـت غیرمسـتقیم آیات شریفه قرآن کریم که ضمن محترم شمردن آزادی و برابری انسان‌ها ایشـان را مکلـف به حفظ اتحاد و وحدت در سایه تعالیم الهـی مـی‌نمایـد، بـا روایـات و سـنن متعـددی از معصومین﵈ تحکیم گردیده است. در این میان ضمن بررسی سه دسته از آیات موضـوعی کتاب‌الله با محوریت «آیات مرتبط با حفظ وحدت اجتماعی و جلوگیری از تسـلط کفـار»،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

«آیات مرتبط با مرزبانی و حفظ ثغور و سرزمین اسلامی» و «عموم آیاتی که مرتبط با وجوب جهاد و قتال با کفار» تلاش گردیده که نگاه شارع مقدس به حراست از تمامیت سرزمینی دارالاسلام و حکومت اسلامی تبیین کرد.

جدول آیات مرتبط با حفظ تمامیت سرزمینی

ردیف	آیه	سوره	مفهوم مورد برداشت از آیه شریفه
۱	۱۰۳-۱۰۵	آل عمران	همزیستی مشترک و وحدت در برابر کفار
۲	۱۴۱	النساء	نفی تسلط و برتری کفار، لزوم جلوگیری از آن
۳	۲۰۰	آل عمران	حفظ مرزها و ثغور دارالاسلام از هجوم کفار و دشمنان
۴	۶۰	الانفال	لزوم آمادگی و هشیاری برای دفاع از سرزمین‌ها اسلامی
۵	۱۹۰	البقره	جهاد دفاعی؛ وجوب جهاد با مهاجمین و کفار
۶	۲۵۱	البقره	لزوم جهاد با کفار برای جلوگیری از فساد ایشان
۷	۴۰	الحج	لزوم جهاد با کفار برای جلوگیری از فساد ایشان
۸	۱۲۳	التوبه	لزوم جهاد با کفار برای جلوگیری از فساد ایشان
۹	۱۹۳	البقره	لزوم جهاد با کفار برای جلوگیری از فساد ایشان

۲-۱. آیات مرتبط با حفظ وحدت اجتماعی و جلوگیری از تسلط کفار

۲-۱-۱. آیه شریفه ۱۰۳ و ۱۰۵ از سوره مبارکه آل عمران

متن و ترجمه آیه:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»

همچنین در آیه ۱۰۵ از این سوره می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»

«و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دلهای شما الفت و مهربانی انداخت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید؛ و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. بدینگونه خدا آیاتش را برای (راهنمایی) شما بیان می‌کند، باشد که هدایت شوید». و در آیه ۱۰۵ می‌فرماید: «و شما مسلمانان مانند مللی نباشید که پس از آنکه آیات روشن برای (هدایت) آنها آمد راه تفرقه و اختلاف پیمودند، که البته برای آنها عذاب بزرگ خواهد بود».

۲-۱-۱-۱. سبب نزول آیه

آیات یکصد و دوم تا یکصد و پنجم سوره مباره «آل‌عمران» در پی تجدید اختلافت دو قبیله اوس و خزرج نازل شد. اختلافات اوس و خزرج که توسط پیامبر گرامی اسلامﷺ خاموش شده بود، در برخی موارد توسط یهودیان و یا دوستان نادان ایشان و با تحریک تعصب‌های جاهلانه، شعله‌ور می‌شد. پیش از نزول آیات مذکور، دو تن از اهالی این دو قبیله افتخارات قبیله یکدیگر را به رخ هم می کشیدند، که کار بالا گرفت و با اطلاع اهالی قبایل، ایشان دست به سلاح بردند و قصد داشتند جنگی دیگر را آغاز کنند که این آیات ایشان را به اتحاد و دوری از تفرقه فراخواند. (محقق، ذیل آیه)

۲-۱-۱-۲. مفاد آیه شریفه و ارتباط آن با حفظ تمامیت سرزمینی

وفق آیات شریفه ۱۰۳ الی ۱۰۵ سوره مبارکه آل عمران و بسیاری دیگر از آیات قرآن همچون آیه شریفه ۱۰۳ از سوره النساء، آیه ۴۳ سوره الانفال و بیشتر آیات سوره مبارکه الحجرات مسلمانان، موظف هستند با اختلافات قومی و زبانی و احیاناً اختلاف رأی در فروع فقهی و در روش‌های عملی و یا در فهم کتاب و سنت و گرایش‌های سیاسی، وحدت خود را حفظ کنند و هیچگاه این قبیل اختلافات که وجود آن، امری طبیعی است آنان را متفرق نکند و به درگیری و جنگ با یکدیگر وادار ننماید.

بی‌شک یکی از اموری که موجب فراموشی وحدت اسلامی و فرقه فرقه شدن گروه‌های

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

اجتماعی می‌شود، تاکید بر مسائلی همچون نژاد و زبان است. این امور که در کلیت خود به «قوم‌گرایی» شهرت دارد، با ترجیح و اولویت دادن به مسائل فرعی و کنارگذاشتن مسائل اصلی همچون ایدئولوژی اسلامی و پیمودن راه سعادت بشری، عملاً جوامع را فشل و ناکارآمد می‌کند.

واضح است که از گذشته تاکنون یکی از راه‌های سیطره‌ی کفار بر مسلمانان، ایجاد تفرقه و شکاف در بنیان مرصوص امت واحده‌ی اسلامی بوده و امروز با کوله‌باری از تجربه‌های شوم استکباری، دشمنان دین در پی راهیابی در صفوف مسلمانان هستند و با مطرح‌کردن مسائل تفرقه‌برانگیز همچون قوم گرایی و ناسیونالیسم، سعی دارند با فشل‌کردن و پراکنده‌نمودن مسلمانان و تضعیف قدرت عظیم وحدت مسلمین، راه سلطه‌ی خویش را هموار نمایند.

آیات شریفه قرآن کریم که به «حفظ وحدت» اشاره دارند، در تمام سطوح و ساحات بشری این مفهوم را دنبال می‌کنند. حفظ وحدت در میان اقوام و مذهب تنها یکی از اشکال بی‌شمار آن است. بی‌شک یکی از سطوح اعلای حفظ اتحاد و وحدت در جامعه اسلامی حفظ اتحاد در درون حاکمیت و سرزمین اسلامی است. دشمنان جامعه اسلامی می‌کوشند در اول گام، دست به تجزیه و تکه تکه کردن سرزمین اسلامی زده و سپس با هجموم نظامی و مسلحانه، اقدام به محو آن نمایند.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیات و در بحث مفصلی با عنوان «ثغر المملکه الاسلامیه» می‌نویسد: «اسلام اصل انشعابات قومی و ملی را بدین صورت که مؤثر در تکوین و پیدایش اجتماع باشد ملغی ساخته است. انشعابات و ملیت‌هایی که بر اساس «وطن» تشکیل می‌گردند ملت و مجموعه خود را به سوی وحدت و یگانگی (درون‌کشوری) حرکت می‌دهند و در نتیجه این ملت از ملت‌های دیگر که در وطن‌های دیگر قرار دارند روحاً و جسماً جدا می‌گردد و با این ترتیب، انسانیت از وحدت و تجمع دوری گزیده و مبتلا به تفرق و تشتّتی که فطرت انسانیش از آن فرار می‌نموده می‌گردد. در این صورت برخورد یک جامعه جدید با دیگر جوامع به گونه‌ای نظیر برخورد انسان با

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

سایر اشیاء و موجودات، طبیعی است که آنان را به استخدام می‌گیرد، استثمار می‌کند و... . تجربه قرن‌های طولانی از آغاز خلقت، تا کنون به این حقیقت گواهی می‌دهد. به همین دلیل است که «اسلام» این قبیل انشعابات و تمیّزات را ملغی ساخته و اجتماع انسانی را بر اساس عقیده و نه نژاد و وطن و نظایر آن پایه‌ریزی نموده است. (طباطبایی، ۱۲۵/۴-۱۲۶)

۲-۱-۲. آیه شریفه ۱۴۱ از سوره مبارکه النساء

متن و ترجمه آیه

«الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»

«آنان که همواره حوادثی را برای شما انتظار می‌برند، اگر از سوی خدا برایتان فتح و پیروزی رسد، می‌گویند: مگر ما با شما [در میدان جنگ] نبودیم؟ [پس سهم ما را از غنایم جنگی بپردازید.] و اگر برای کافران بهره‌ای اندک [از غلبه و پیروزی] باشد، به آنان می گویند: آیا [ما که در میان ارتش اسلام بودیم] بر شما چیره و مسلّط نبودیم؟ [ولی دیدید که از ضربه زدن به شما خودداری کردیم] و شما را [ازآسیب و زیان مؤمنان] مانع می‌شدیم [پس سهم غنیمت ما را بدهید.] خدا روز قیامت میان شما داوری می‌کند؛ و خدا هرگز هیچ راه سلطه‌ای به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است.»

۲-۱-۲-۱. سبب نزول آیه

این آیه درباره «عبدالله ابن ابیّ» سرکرده منافقان و یاران او نازل شده است که در غزوه احد با پیامبر همراه نشده و مترصد بودند که هرگاه پیامبرﷺ درجنگ پیروز می‌شد، خود را به مسلمین رسانیده و به آنها بگویند: مگر ما با شما همراه نبودیم؟ و هرگاه کفار پیروزی کسب می کردند، آنها را خطاب کرده که مگر ما شما را از احوال مسلمانان باخبر نمی‌کردیم؟ (محقق، ۲۵۵ و قمی، ۱۵۶/۱-۱۵۷)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۲-۱-۲-۲. مفاد آیه شریفه

این آیه با خطاب قرار دادن مؤمنان طی حکمی نهایی و غیرقابل تغییر و تبدیل، هرگونه تسلط و برتری و قدرت و غلبه و استیلای کافران بر مسلمانان را نفی کرده و برتری مؤمنان بر کافران را اعلام می‌کند. برخی با استفاده از این آیه به عدم تسلط حقوقی کافران بر مؤمنان نیز حکم کرده‌اند. علامه طباطبایی معتقد است، هرگز حکم برتری مؤمنان بر کافران به عکس نخواهد شد و با استناد به این حکم، در نهایت فتح و پیروزی در همه دوره‌ها از آن مؤمنان خواهد بود. (طباطبایی، ۱۱۶/۵)

طبق برداشت از آیه، مؤمنان نیز حق پذیرفتن سلطه کافران را ندارند و هرگونه عهدنامه یا تفاهم که راه نفوذ کفار بر مسلمانان را باز کند، حرام شمرده شده است و مؤمنان وظیفه دارند تا با آن مقابله نمایند؛ البته برخی با توجه به روایات، کسب آموزش و تبادلات فرهنگی و اقتصادی با کافران غیر سلطه‌جو که سبب سلطه کفار و ذلت مؤمنان نباشد، را جایز دانسته‌اند.[۱] (قرائتی، ۱۹۱/۲ و رضایی اصفهانی، ۳۴۲/۴)

جمله انتهایی آیه شریفه ۱۴۱ سوره مبارکه النساء: «... **وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً**» به عنوان منبع و مدرک اصلی قاعده «نفی سبیل» مطرح است. این جمله هرگونه مسیر تسلطی بر مومنان از سوی کفار در سطوح مختلف را بسته می‌داند. در این خصوص یکی از محققان می‌نویسد: «خداوند متعال در این آیه شریفه که همچون دیگر آیات سوره مبارکه النساء در مدینه بر پیامبرﷺ نازل شده است، می‌فرماید؛ در عالم تشریع هیچ‌گونه حکمی که موجب استیلا، سلطه و سلطنت کفار بر مومنین و مسلمین باشد وجود ندارد و تشریع و جعل نیز نشده است. این حکم چه در باب عبادات، چه در باب معاملات و چه در سیاسات، جعل نشده است و بنابراین، هرگونه حکمی که از ناحیه آن حکم، موجبی برای علو و سلطنت کافر بر مسلم باشد به مقتضای این آیه شریفه از صفحه تشریع مرفوع است». (موسوی بجنوردی، ۲۶۰/۲) لکن باید توجه داشت که مقام بیان

---

۱. نکـ : ویکی شیعه، دانشنامه مجازی مکتب اهل‌بیت، زیرشناسه آیه نفی سبیل.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

شارع در آیه شریفه مقام تشریعی است نه تکوینی؛ به این معنی کـه شـارع مقـدس در پـی تشریع قانون و حکمی جامع و حاکم بر جامعه مسلمین بوده لکـن در مقـام تکـوین، علـو جامعه مسلمین بر کفار بسته به اقدام و عمل عموم مسلمین است.

۲-۱-۲-۳. ارتباط آیه با حفظ تمامیت سرزمینی

یکی از مبانی و قواعد مشهور فقهی اسلام که بر آن ادعـای اجمـاع نیـز شـده اسـت و کاربرد زیادی در فروعات احکام، عبادات و معاملات دارد، قاعده «نفی سبیل» است و بـر هر حکمی که باعث برتری کافر بر مسلمان شود، مقدم اسـت. فقیهـان در مسـائل مختلـف فقهی، برای استفاده از این قاعده، به این آیه استناد کرده‌اند. (جعفری، ۵۹۸/۲)

براساس این قاعده در فقه، احکامی چون عدم ارث بردن کافر از مـؤمن، عـدم فـروش برده مسلمان به کافر، و عدم ولایت جد کافر بر کودکان صغیر مسـلمان، بطـلان ازدواج زن مسلمان با کافر، نفی وکیل شـدن مسـلمان بـرای کـافر ذمـی بـر ضـرر مسـلمان و دیگـر موضوعات فقهی صادر شده است.

تفسیر نمونه از قرآن کریم، جمله پایانی این آیه شریفه از قرآن کریم را دلیل بسته شدن هر راهی بر کفار می‌داند که بخواهند تسلطی بر مومنین بیابند. این جمله اعم است از تسلط نظامی، سیاسی، فرهنگی و عقیدتی و... کفار.

با توجه به شواهد علمی موجود در تفسیر آیه شریفه، اولاً که حکم ایـن آیـه بـر عـدم تشریع و جواز تسلط کفار بر مومنین، اجماعی است. ثانیاً حکم صـادره بـه عنـوان قاعـده پذیرفته شده و در سطوح و ساحات گوناگون حاکم است. علی ایحال و با توجه بـه اینکـه در حال حاضر دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی می‌کوشند از طرق مختلف حاکمیت کشـور (که طبق ضوابط مطروحه دارالاسلام است) را تضعیف کنند و در این رابطـه از گـروه‌هـای تکفیری، نفاق، سلطنت‌طلب، قوم‌گرا و... بهره‌برداری می‌کننـد. یکـی از فعالیـت‌هـای قابـل توجه دشمنان انقلاب اسلامی بهره‌برداری از گروهک‌های تجزیه‌طلب قومی و مذهبی است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

ایشـان مـی‌کوشـند بـا تحریـک احساسـات و عواطـف قـومی و غلبـه دادن گرایشـات ناسیونالیستی و شوونیستی بـر روح تعـالیم اسـلامی موجـب تشـتت و چنـدپارگی عمـوم مسلمین و همچنین سرزمین اسلامی را فراهم آورند. بنابراین به نظر می‌رسد یکـی از مـواد اصلی که آیه شریفه ۱۴۱ سوره لبنساء شامل آن می‌گـردد جلـوگیری از تسـلط کفـار بـر تمامیت سرزمینی اسلام است.

۲-۲. آیات مرتبط با مرزبانی و حفظ ثغور و سرزمین اسلامی

۲-۲-۱. آیه ۲۰۰ از سوره مبارکه آل‌عمران

متن و ترجمه آیه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

«ای اهل ایمان، صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومـت سـفارش کنیـد و مهیّـا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید، باشد که فیروز و رستگار گردید.»

۲-۲-۱-۱. سبب نزول آیه

در خصوص سبب نزول آیه شریفه ۲۰۰ از سوره آل عمران که از آیـات مـدنی اسـت، روایات مختلفی از ائمه معصومین علیهم‌السلام رسیده است:

– «محمد بن ابراهیم النعمانی» بعد از هفت واسطه از امام محمدباقر علیه‌السلام و ایشان از پـدر بزرگوارش امام علی بن الحسین علیه‌السلام روایت کند که عبدالله بن عباس کسی نزد امام فرستاد تا درباره این آیه از او سؤال کند. امام زین العابدین علیه‌السلام در خشم شد و به شخص سائل فرمود: خیلی میل داشتم با آن کسی که تو را به این منظور فرستاده مواجه می‌شدم تا بـه خـودش می‌گفتم. سپس فرمود: این آیه درباره ما اهل بیت علیهم‌السلام و پدرم نازل شده اسـت و از ایـن بـه بعد دشمنی که باید از او خویشتن را محفوظ بداریم جز از نسل او نمی‌تواند باشد. (منظـور امام خلفاء بنی‌عباس بوده‌اند که از نسل عبدالله بن عباس بوده و نسبت به آل محمد و ائمـه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

اطهار﵇ دشمنی فراوان ابراز داشتند) (بحرانی، ۲۱۴/۳)

۲-۲-۱-۲. مفاد آیه

آیه شریفه ۲۰۰ سوره آل‌عمران می‌فرماید: «**یا ایُّهَا الَّـذینَ آمَنُـوا اصْـبِرُوا وَ صـابِرُوا وَ رابِطُو وَاتَّقُوا للّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُـون**» (ای کسانی که ایمـان آورده‌ایـد، (در مقابـل مشـکلات و هوسها) شکیبا باشید استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز پایدار باشید و از مرزهای خـود، مراقبت کنید. و از خدا بترسید تا رستگارشوید.

این آیه شریفه که آخرین آیه از سوره مبارکه آل‌عمران است، پس از ترسیم وضعیت دو گروه مؤمن و کافر، که از آیات ۱۹۶ شـروع مـی‌شـود و تـا ۱۹۹ ادامـه دارد، مؤمنـان را مخاطب قرار داده و سه عامل موفقیت آنان را به این شرح بیان می‌کند و در قالب صیغه امر به آنان فرمان می‌دهد و آنان را به شکیبایی بر انجام وظایف و جهاد در راه حـق و عـدالت فرا می‌خواند:

۱. «**اصبروا**» یعنی شکیبایی پیشه سازید در بدوش کشیدن بار مسئولیت‌ها.

۲. «**صابروا**» در برابر فشارها پایداری ورزید.

۳. «**رابطوا**» مرزها را نگهبانی کنید. (طبرسی، ۶۷۱/۱).

واژه رابط در اصل به معنای نسبت و وصل کردن است اما در مـورد آنـان کـه در دژی پناه می‌گیرند و از ورود دشمن به درون آن سرسختانه جلوگیری می‌کنند نیز بکار می‌رود و همانطور که پیش از این در فصل ابتدایی تحقیق بحث شد، «رباط» به مفهوم آماده سـاختن و به صف کردن اسب‌ها برای رویارویی با دشمن نیز، بکار رفته است. (همانجا، ۶۷۹/۱).

در تفسیر این آیه شریفه دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد که در ذیل به اهم آنها اشاره می‌شود:

مرحوم بحرانی در این رابطه می‌نویسد: «ای ایمان آورندگان در دیـن و آیـین آسـمانی خویش، ثابت قدم باشید و در برابر کفرگرایان و بیداد پیشگان پایداری ورزیـد و در برابـر تجاوز و تهاجم آنان در راه خدا پیکار کنید».

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

معنا و مفهوم آیه شریفه بیانگر این نکته است که در انجام وظایف و پرهیز از گناه و در جهاد بر ضد دشمن، صبور و پایدار باشید.

گفتنی است که دو واژه صابروا و رابطوا از باب مفاعله‌اند و بکار رفتن آنها در آیه نشانگر این نکته ظریف است که شما نیز باید همانند آنان که در باطن خویش پایداری می‌ورزند و نیرو و امکانات فراهم می‌آورند تا در راه حق و عدالت با قدرت و قوت بیشتر رویاروی آنان بایستند، عمل کنید درست همان‌گونه که در آیه ۶۰ سوره الانفال به این واقعیت تصریح شده است (بحرانی، ۲۴۶/۳)

آقای قرائتی در تفسیر نور آیه کریمه ۲۰۰ از سوره آل عمران را اینگونه شرح می‌دهد: «این آیه صبر در برابر انواع حوادث و مصائب را در سه مرحله توصیه می‌کند:

- در مرحله اول در برابر ناگواری‌های شخصی و هوس‌ها صبر کنید: «اصبروا».
- در مرحله دوم در برابر فشارهای کفار مقاومت بیشتر کنید: «صابروا».
- و در مرحله سوم حفظ مرزهای جغرافیایی از هجوم دشمن، حفظ مرزهای اعتقادی و فکری، از طریق مباحث علمی و حفظ مرز دلها، از هجوم وسوسه‌ها بکوشید: «ورابطوا». (قرائتی، ۲۳۲/۲)

هم‌چنین در تفسیر نور در ذیل آیه و در پیام‌های استخراج شده آورده شده است که اگر کفار در کفر خود مقاومت می‌کنند، کشته می‌دهند و مال خرج می‌کند، شما نیز باید در راه خدا با جان و مال پایداری کنید و همچنین در خصوص اهمیت حفاظت از مرزها همین بس که صبر و تقوی در کنار توجه به مرزها بیان شده است. اصبروا و صابروا و رابطوا (همانجا، ۲۳۴/۲).

همچنین در تفسیر المیزان ذیل این آیه و در تفسیر کلمه رابطوا آمده است «مرابطه» از نظر معنا اعم از مصابره است، چون مصابره یعنی اتحاد و پیوستن نیروها در برابر شدائد. امّا مرابطه یعنی پیوستن همه نیروها و همه کارها بر جمع ستون اجتماعی دینی، چه درحال شدت و چه در حال خوشی و مراد از مرابطه این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیوی و اخروی خود برسد. (طباطبائی، ۲۳۱/۱).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

در تفسیر شریف نمونه مطالب بسیار مفصل و دقیقی در تفسیر این آیـه و در خصـوص مسئله مرزبانی بیان شده است. تفسیر نمونه چنین بیان می کند که این آخرین آیه سوره آل عمران و محتوی یک برنامه جامع چهارماده‌ای برای مسلمین به شرح زیر می‌باشد.

نخست روی سخن را به همه مؤمنان کرده و به اولین ماده این برنامه اشاره می‌کند و می فرماید: «یا ایها الذین امنوا اصبروا»؛ «ای کسـانی کـه ایمـان آورده‌ایـد در برابـر حـوادث ایستادگی کنید».

صبر و استقامت در برابر مشکلات، هوس‌ها و حوادث در حقیقت ریشه اصلی هرگونـه پیروزی مادی و معنوی را تشکیل مـی‌دهـد تـا جـائی‌کـه دربـاره نقـش و اهمیـت آن در پیشرفت‌های فردی و اجتماعی آنرا به منزله سر در برابر بدن معرفی کرده است الصـبر مـن الایمان کالرأس من الجسد. در مرحله دوم به افراد با ایمان دستور استقامت در برابر دشمن می‌دهد و می‌فرماید «وصابروا» وصـابروا، از مصـابره از بـاب مفاعلـه بـه معنـای صـبر و استقامت در برابر دیگران است.

بنابراین قرآن نخست به افراد با ایمان دستور استقامت می‌دهد (که هرگونه جهاد با نفس و مشکلات زندگی را شامل می‌شود) و در مرحله دوم دستور به استقامت در برابـر دشـمن می‌دهد واین خود می‌رساند که تا ملتی در جهاد با نفس و اصلاح نقاط ضعف درونی پیروز نشود پیروزی او بر دشمن ممکن نیست و بیشتر شکست‌های ما در برابـر دشـمنان بخـاطر شکستی است که در جهاد با نفس و اصلاح نقاط ضعف خود دامنگیر مـا شـده اسـت. هـم چنین بدین معناست که هرقدر دشمن بر اسـتقامت خـود بیافزایـد مـا نیـز بـر پایـداری و استقامت خود بیفزاییم.

در جمله بعد (رابطوا) به مسلمانان دستور آماده‌باش در برابر دشمن و مراقبـت دائـم از مرزها و سرحدات کشورهای اسلامی می‌دهد و می‌فرماید «از مرزهای خود مراقبت بعمـل آورید» این دستور بخاطر آن است که مسلمانان هرگز گرفتار حمـلات غافلگیرانـه دشـمن نشوند و نیز به آنها دستور آمـاده‌بـاش و مراقبـت همیشـگی در برابـر حمـلات شـیطان و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

هوس‌های سرکش می‌دهد، تا غافلگیر نگردند. در بعضی از روایات از حضرت علی﵇ این جمله به مواظبت و انتظار نمازها یکی بعد از دیگری تفسیر شده است زیرا کسی که با عبادت مستمر و پی‌درپی دل و جان خود را بیدار می‌دارد همچون سربازی است که در برابر دشمن حالت آماده‌باش به خود گرفته است.

جمله «رابطوا» از ماده رباط گرفته شده و آن در اصل به معنی بستن چیزی در مکانی است. (مانند بستن اسب در یک محل) و به همین جهت به کاروا نسرا، رباط گویند و «ربط‌القلب» به معنی آرامش دل و سکون خاطر است؛ گویا به محلی بسته شده است و مرابطه به معنی مراقبت از مرزها آمده است؛ زیرا سربازان و مرکب‌ها و وسایل جنگی را در آن محل نگهداری می‌کنند.

خلاصه آنکه «مرابطه» معنای وسیعی دارد که هرگونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه را شامل می‌شود. در فقه اسلامی نیز در باب جهاد بحثی تحت عنوان «مرابطه» یعنی آمادگی برای حفظ مرزها در برابر هجوم احتمالی دشمن دیده می‌شود که احکام خاصی برای آن بیان شده است (مکارم شیرازی، ۲۵۵/۳-۲۶۶)

۲-۲-۱-۳. ارتباط مفاد آیه با حفظ تمامیت سرزمینی

دستور مستقیم این آیه شریفه به مرزبانی و رباط از سرزمین‌های اسلامی، در ضمیر خود دستور حفظ تمامیت سرزمینی و جغرافیایی سرزمین اسلامی را دارد. چرا که مرزها و ثغور سرزمین اسلامی تنها لایه بیرونی و راه نفوذ به سرزمین‌های دارالاسلام‌اند. و حفظ مرز ها و دیدبانی از آن به معنی حفظ سرزمین‌های اسلامی و تمامیت ارضی آن سرزمین است.

۲-۲-۲. آیه ۶۰ از سوره الانفال

متن و ترجمه آیه

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللّهُ یَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَیْءٍ فِی سَبِیلِ اللّهِ یُوَفَّ إِلَیْکُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»

«و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری زین کرده برای تهدید و تخویف دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم سازید و نیز برای قوم دیگری که شما بر (دشمنی) آنان مطلع نیستید (مراد منافقانند که ظاهرا مسلم و باطنا کافر محض‌اند) و خدا بر آنها آگاه است. و آنچه در راه خدا صرف می‌کنید خدا تمام و کامل به شما عوض خواهد داد و هرگز به شما ستم نخواهد شد.»

۲-۲-۲-۱. مفاد آیه شریفه

آنچه که از این آیه برداشت می‌شود لزوم حداکثری توان دفاعی در برابر تهاجمات احتمالی دشمنان است و این وظیفه احاد امت اسلامی است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید «دشمن منافع یک جامعه اسلامی، دشمن منافع تمامی افراد است، و بر همه افراد است که قیام نموده و دشمن را از خود و از منافع خود دفع کنند، و باید برای چنین روزی نیرو و اسلحه زیر سر داشته باشند، تا بتوانند منافع خود را از خطر دست برد دشمن نگه‌دارند، گو اینکه پاره‌ای از ذخیره‌های دفاعی هست که تهیه آن جز از عهده حکومت‌ها برنمی‌آید، ولیکن پاره‌ای دیگر هم هست که مسئول تهیه آن خود افرادند، چون حکومت هر قدر هم نیرومند و دارای امکانات زیادی باشد به افراد مردم محتاج است، پس مردم هم به اندازه خود باید قبلاً فنون جنگی را آموخته و خود را برای روز مبادا آماده کنند. پس تکلیف «و اعدوا»، تکلیف به همه است. (طباطبائی، ۱۵۱/۹) از آنجا که تهاجم دشمن همواره از طریق مرز انجام می‌شود لزوم این آمادگی در مرزها بیش از سایر نقاط کشور می‌باشد. جمع‌آوری تجهیزات و ادوات نظامی به دو منظور انجام می‌شود:

- بالابردن قدرت دفاعی کشور.
- ترساندن دشمن و پایین آوردن احتمال حمله آن.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

مرحوم علامه طباطبایی در ادامه تفسیر آیه «**ترُهِبُونَ بهِ عَـدُوَّ اللهِ وَ عَـدُوَّكُمْ وَ آخَـرِينَ منِ دُونهِمْ لا تعَلمَونهَمُ اللهُ يعَلمَهُمْ**» می‌نویسد این قسمت از آیه شریفه در مقام بیـان تعلیـل جمله «وَ أعَدُّوا لهَم» است و معنایش این است که این قـوا و امکانـات دفـاعی را تـدارک ببینید تا به وسیله آن دشمن‌خدا و دشمن خود را ترسانیده و از آنان زهرچشم گرفته باشید، و اگر دشمن دین را هم دشمن خدا و هم دشمن ایشان خواند برای این بود که هـم واقـع را بیان کرده باشد و هم این‌که ایشان را تحریک نمـوده باشـد» (همانجـا، ۱۶۰/۹). در واقـع همین دو نکته، یعنی بالا بردن قـدرت دفـاعی کشـور و ترسـاندن دشـمن و پـایین آوردن احتمال حمله آن، اشاره به مرزبانی و مرابطه از ثغور مسلمین دارد.

۲-۳. عموم آیات مرتبط با وجوب جهاد و قتال با کفار

این آیات که برخی جوانب و احکام جهاد ابتدایی و دفاعی روشن نموده و برخی دیگـر به فلسفه و چرایی وجوب جهاد پرداختهانـد، دلایـل مختلفـی را بـرای جهـاد برشـمرده و برمبنای آن احکامی صادر نموده‌اند.

برخی از آیات شریفه دلیل جهاد و قتال بـا دشـمنان را جلـوگیری از نـاامنی و برطـرف نمودن خطر عنوان نموده‌اند. برخی دیگر برطرف کردن فسـاد از روی زمـین را دلیـل جهـاد عنوان نموده‌اند. دیگر آیات برطرف کردن هرنوع فتنه از روی زمین را دلیل جهاد دانسته‌اند.

هر یک از آیات شریفه که در این زمینه به بیان فلسفه چرایـی جهـاد پرداختـه‌انـد، بـه نحوی بر احکام حفاظت و حراست از ثغور سرزمین‌های اسلامی صحه گذاشته و بنیـان آن احکام را تقویت نموده‌اند. برخی از آیات شریفه در این رابطه عبارت‌اند از:

۲-۳-۱. آیه ۱۹۰ از سوره البقره

متن و ترجمه آیه

«وَ قاتِلُوا فِی سَبِیلِ اللهِ الَّذِیـنَ یـقاتِلُونَکُمْ وَ لاتَعْتَدُوا إِنَّ اللهَ لایحِبُّ الْمُعتَدِینَ»

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

«در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، قتال[۱] کنید و از حدّ تجاوز نکنید که خداوند متجاوزین را دوست نمی‌دارد».

۲-۳-۱-۱. سبب نزول آیه

آیه شریفه ۱۹۰ از سوره بالقره در مدینه بر پیامبر اعظم نازل گردیده و طبق نقل از ابن عباس گفته‌اند که آیه مزبور در صلح حدیبیه نازل شده است. بدین شرح که پیامبر با اصحاب خود که در حدود هزار و چهارصد نفر بودند به قصد عمره خواستند وارد مکه شوند که در حدیبیه مشرکین مانع شدند. ایشان با مشرکین چنین صلح نمودند که آن سال را وارد نشوند و سال بعد بیایند. سال بعد پیامبر با تجهیز کامل با اصحاب خود حرکت کردند که عمره قضا را بجای آورند ولی خوف داشتند که مشرکین به عهد خود وفا نکرده و مجدداً مانع ورود آن‌ها بشوند و در نتیجه کار به جنگ رسد. البته در عین حال رسول خدا ﷺ از جنگ در ماه حرام کراهت داشت تا این که این آیه نازل گردید.

برخی از مفسران نیز معتقدند که این آیه نخستین آیه‌ای است که درباره قتال و نبرد و نازل شده و پس از نزول این آیه پیامبر با کسانی که قصد جنگ داشتند، جنگ می‌نمود و با کسانی که از جنگ کردن خودداری می‌کردند؛ جنگ نمی‌کرد تا این که آیه «**فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ**» نازل گردید و این آیه را نسخ نمود. (محقق، ۶۱)

۲-۳-۱-۲. مفاد آیه شریفه و ارتباط آن با حفظ تمامیت سرزمینی

خداوند در آیه ۱۹۰ سوره مبارکه البقره صراحتاً دستور به جهاد دفاعی فرموده است. فقها معتقدند یکی از اولین آیات قرآن در رابطه با مجوز و دستور جهاد همین آیه است که می‌فرماید: «**وَ قاتِلُوا فِی سَبِیلِ‌اللهِ الَّذِینَ یقاتِلُونَکُمْ وَ لاتَعْتَدُوا إِنَّ اللهَ لایحِبُّ الْمُعْتَدِینَ**»

---

۱. قتال به معنای آن است که شخصی قصد کشتن کسی کند، که او قصد کشتن وی را دارد و در راه خدا بودن این عمل به این است که غرض عامل، اقامه‌ی دین و اعلای کلمه‌ی توحید باشد که چنین قتالی عبادت است. (نک: طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ق. جلد ۲، صفحه ۶۱)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

(در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، قتال کنید و از حدّ تجاوز نکنید که خداوند متجاوزین را دوست نمی‌دارد).

این آیه عموم مسلمین را به دفاع در برابر کفار و مهاجمین دستور داده است. با توجه به اطلاق دستور و عبارت «الَّذِينَ يقاتِلُونَكُمْ»، جهاد دفاعی در برابر هرگونه مهاجم به جبهه اسلام دارای وجوب است و یکی از مصادیق بارز هجوم، هجوم فیزیکی به مرزها و استقلال جامعه اسلامی است. بنابراین آیه مذکور در زمینه‌های مختلف جهاد دفاعی حکم فرموده که اخص آن مواجهه با تهاجم فیزیکی و تلاش کفار برای تجزیه خاک کشور اسلامی است.

۲-۳-۲. آیه ۲۵۱ از سوره البقره

متن و ترجمه آیه

«فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللّهُ الْمُلْکَ وَالْحِکْمَةَ وَعَلّمَهُ مِمّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللّهِ النّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَکِنّ اللّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ»

«پس به یاری خدا کافران را شکست دادند و داود﵇ امیر آنها جالوت را کشت و خدایش پادشاهی و فرزانگی عطا فرمود و از آنچه می‌خواست بدو بیاموخت. و اگر خدا برخی مردم را در مقابل بعضی دیگر برنمی‌انگیخت فساد روی زمین را فرامی‌گرفت، ولکن خدا، خداوند فضل و کرم بر همه اهل عالم است.»

۲-۳-۳. آیه ٤٠ از سوره الحج

متن و ترجمه آیه

«الّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللّهِ النّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَ بِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللّهِ كَثِيراً وَ لَيَنْصُرَنّ اللّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنّ اللّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»

«آن مؤمنانی که به ناحق از خانه‌هاشان آواره شده (و جرمی نداشتند) جز آنکه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

می‌گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست. و اگر خدا (رخصت جنگ ندهد و) دفع شر بعضی از مردم را به بعض دیگر نکند همانا صومعه‌ها و دیرها و کنشت‌ها و مساجدی که در آن (نماز و) ذکر خدا بسیار می‌شود همه خراب و ویران شود. و هر که خدا را یاری کند البته خدا او را یاری خواهد کرد، که خدا را منتهای اقتدار و توانایی است.»

۲-۳-٤. آیه ۱۲۳ سوره التوبه

متن و ترجمه آیه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»

«ای اهل ایمان، با کافران از آنان که با شما نزدیکترند شروع به جهاد کنید و باید کفار در شما درشتی و نیرومندی و قوت و پایداری حس کنند، و بدانید که خدا همیشه با پرهیزکاران است»

بنا بر این آیه ی شریفه، یکی از اهداف جهاد ابتدایی این است که دشمنان اسلام در سپاه مسلمانان قدرت و قاطعیت ببینند و هیچ‌گاه به فکر حمله و تعرض به آنان نیفتند، بلکه سپاه اسلام را نیرومند و استوار بیابند که با قدرت و اطمینان کامل به میدان جنگ قدم می‌گذارند و در راه خداوند از نثار جان خود دریغ نمی‌ورزند. هدف آنان نشان دادن قدرت اسلام، سرافرازی مسلمانان و شایستگی رهبری مؤمنان است و این هدفها در پرتو حمایت و یاری پروردگار به مؤمنان ارزانی شده است.

۲-۳-۵. آیه شریفه ۱۳ سوره مباکه البقره

متن و ترجمه آیه

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ»

«و با کفار جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و دین خدا حاکم باشد و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

بس، و اگر (از فتنه) دست کشیدند (با آنها عدالت کنید که) تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست.»

۲-۳-۵-۱. مفهوم آیه شریفه

در این آیه‌ی شریفه، امر شده است که مسلمانان جنگ کنند تا فقط احکام و اوامر الهی بر مردم حکمفرما شود و فتنه از میان برود. مقصود این است که کسانی با حیله و تزویر می‌کوشند تا مسلمانان را از دین خود خارج کنند. در چنین شرایطی، فضای جامعه ی اسلام به تردید و شبهه آلوده می‌شود، حق و باطل درهم می‌آمیزد و تفکیک آنها برای مسلمانان دشوار می‌شود. در این صورت، باید با عوامل فتنه‌گر جنگید تا حق از باطل تمیز داده شود و عوامل انحراف از میان برود.

۲-٤. دلالت آیات مرتبط با جهاد بر تقابل با مهاجمین به سرزمین اسلامی و تجزیه‌طلبان

آیات متعدد قرآن کریم پیرامون جهاد، که این امر مقدس را از واجبات عمومی و عینی و از فروع دین و مذهب اسلامی–شیعی قرار داده است، در موارد متعددی به فلسفه جهاد و چرایی اهمیت این امر اشاره نموده است. یکی از دلایل وجوب جهاد برای مسلمین «جلوگیری از سلطه کفار» و «فساد ایشان بر روی زمین» است. مسلمین موظفند علاوه بر جلوگیری از هرگونه تسلط غیرالهی بر خود و سرزمین اسلامی از فساد کفار نیز جلوگیری کنند.

«جهاد دفاعی» که وظیفه دارد با هجوم دشمنان به مسلمین مقابله کند، یک اصل عقلایی بوده و پیش از اسلام نیز رایج بوده است. امروزه نیز تمام قوانین آسمانی و بشری، اصل دفاع از خویشتن را به رسمیت شناخته‌اند و به فرد یا جمعیتی که مورد هجوم واقع شده، حق می‌دهد که برای دفاع از خویشتن به پا خیزد و آن‌چه در قدرت دارد به کار برد و از هرگونه اقدام منطقی برای حفظ موجودیت خویش فرو گذار نکند.

در مورد دفاع از سرزمین‌های اسلامی و کشور مسلمان نیز چه هجوم از خارج از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

کشور و توسط کفار باشد و چه شورش از داخل کشور و از سوی ناآگاهان و یـا مـزدوران کفار صورت پذیرد، جامعه اسلامی موظف اسـت از قـدرت، کیـان و تمامیـت دارالاسـلام حفاظت کند و اتفاقاً این قسم جهاد برخلاف جهاد ابتدائی نه تنها حضـور امـام معصـوم را شرط در آغاز آن نمی‌شمرد بلکه همراهی با حاکم جائر و یا تشخیص فرد برای آغاز دفاع را کافی می‌داند. جهاد دفاعی یک ضرورت عقلی است که از مایملک شخصی، اجتمـاعی و حکومتی اسلامی دفاع می‌کند و در صورتی‌که گروهی بخواهند با عناوین حقوقی و غیـرآن بخش‌هایی از آن را جدا نموده و از دسترس جامعه اسلامی خـارج کننـد، وظیفـه دفـاع از دارالاسلام بر عهده عموم جامعه است.

نتیجه مقاله

مجموع آیات نقل شده از کتاب‌خدا در سه محور «حفظ وحدت و جلوگیری از تسـلط کفار»، «مرزبانی و حفظ ثغور مسلمین» و «وجوب قتال با کفار» که مورد ترجمه، تفسیر و بررسی سبب نزول قرار گرفته و در انتها بر موضوع «حفظ تمامیت سـرزمینی دارالاسـلام» تطبیق داده شد، نشانگر اهمیت حفظ ارکان قدرت مسلمین و به تبع آن حفظ قلمـرو اسـلام از منظر شارع مقدس است. طبق موازین شرعی کتاب‌الله حفاظـت از تمامیـت سـرزمینی و دیگر ارکان قدرت آن واجب است. همچنین لازم به توضیح است که سـنت معصـومان علیهم‌السلام، اجماع مدرکی علماء و مرام عقلا با آیات پیش‌گفته همسو است. وجود روایـات صـحیحی همچون «حدیث علو»، «حدیث یونس»، «روایات متعـدد در ارزش مرزبـانی»، «روایـات باب‌المجاهدین و ظل‌السیف» و... همگی موید این دیدگاه اسـت، کـه فقـه اسـلامی ضـمن رسمیت بخشیدن به قلمرو مسلمین، به حفظ و حراست از آن اصرار داشته و این وظیفـه را برعهده حاکمیت و آحاد مسلمین قرار داده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، قم، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ ومعارف اسلامی)، ۱۳۷۳ش.
۲. صحیفه کامل سجادیه، ترجمه الهی قمشه‌ای، محی‌الدین، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۳. بحرانی، هاشم‌بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی، ۱۴۱۵ق
۴. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۶.
۵. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، زیرنظر معین، محمد و شهیدی، سیدجعفر، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷.
۷. سیدرضی، محمدبن حسین، نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات زهد، ۱۳۷۹ش.
۸. عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، چاپ دوم، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۱۷ق.
۹. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۱.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ یازدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، به ترجمه محمدباقر ناصری، تهران، انتشارات فراهان، ۱۳۶۰ هـ‌ش
۱۲. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن؛ المبسوط فی فقه الامامیه، چاپ سوم، تهران، مکتبه المرتضویه للاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۷۸.
۱۳. عمید زنجانی، عباسعلی و کرمی، حامد، ماهیت سرزمین در فقه امامیه، حقوق اسلامی، شماره ۲۷، ۱۳۸۹.
۱۴. فیض‌کاشانی، محمدبن مرتضی، مفاتیح الشرائع، بیروت: مؤسسهٔ الأعلمی، [بی‌تا].
۱۵. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۸.
۱۶. قمی، علی ابراهیم بن‌هاشم قمی، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳.
۱۷. کاویانی‌راد، مراد، پردازش مفهوم «قلمرو» از دیدگاه جغرافیای سیاسی، برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، ۱۷(۴)، ۴۳-۶۱، ۱۳۹۲.
۱۸. گروتر، یورگ، زیبایی‌شناختی در معماری، ترجمه پاکزاد، جهانشاه و همایون، عبدالرضا، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، قم، اسلامیه، ۱۳۸۶.
۲۰. محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۲۱. محقق، محمدباقر، نمونه بیانات در شان نزول آیات، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۳.
۲۳. موسوی بجنوردی، سیدمحمد، قواعد فقهیه، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۷.
۲۴. نفیسی، علی‌اکبر، فرهنگ نفیسی (ناظم‌الاطباء)، تهران، خیام، ۱۳۴۳.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]